

خالق نت های جاودان

الهیة توانا- نواها و نغمه‌هایی که در طول سالیان می‌شنویم، نه‌فقط تجربه شنیداری ما که بخش مهمی از بودن‌مان هستند، بودن فردی و جمعی‌مان؛ درست مثل بوهای خوش، تصویرهای دوست‌داشتنی و طعم‌های به‌یادماندنی که به‌طرزی جدایی‌ناپذیر با وجود ما می‌آمیزند. آن‌چه هر کدام ما، منحصر، به‌تنهایی و در خلوت از راه حواس دریافت می‌کنیم گاه می‌تواند آن‌قدر ریشه‌دار و عمیق شود که به‌نوعی نقش زبان را ایفا کند؛ زبانی مشترک بی‌نیاز از حضور هیچ واژه‌ای. در این بین موسیقی –صرف نظر از داشتن یا نداشتن کلام- یکی از مفهوم‌ترین این زبان‌ها، پایدارترین تجربه‌های حسی بشر و قوی‌ترین پیوندهای بین انسان‌هاست. خالقان موسیقی، این قدرت را قدر می‌دانند؛ آن‌ها خوب بلدند چطور با ساختن یک قطعه موسیقی، بیش از عمرشان زنده باشند، شنیده‌شوند و به‌خاطره جمعی نسل‌ها بدل شوند. امروز، سالروز درگذشت یکی از این آهنگ‌سازان همیشه زنده است؛ کسی که با «ساغرم شکست ای ساقی» اش بغض کرده‌ایم، با «تو ای پری کجایی» اش عاشق شده‌ایم و با «شهزاده رویا» یش به عالم خواب و خیال پرواز کرده‌ایم؛ «همایون خرم»، آهنگ‌ساز و نوازنده خاطره‌سازی که سال ۹۱ در چنین روزی از میان ماریافت اما نام و یادش فراموشمان نخواهدشد. در پرونده امروز، مرور کوتاهی داریم بر زندگی شخصی و حرفه‌ای مرحوم خرم؛ همچنین با ساز ویولن و خانواده‌اش آشنا‌تر خواهیم‌شد.



همایون فالِ همایون نام



همایون‌خان خرم، ۸۷ سال پیش در بوشهر به‌دنیا آمد؛ شهری که موسیقی در رگ‌هایش و در رگ مردمانش جاری است. اهالی بوشهر موسیقی را زندگی می‌کنند؛ بی‌مزمه آهنگ دست به پارو نمی‌برند، بی‌نی‌انبان شادی نمی‌کنند و بی‌کوبیدن سنج و دمام غم و غصه را از دلشان بیرون نمی‌کنند. بخت‌باری همایون‌خان بود که در چنین فضایی متولد شد و در خانواده‌ای شیفته موسیقی، پرورش پیدا کرد؛ اصلاً انتخاب اسم همایون هم دلایل شیفتگی مادر به موسیقی و

به‌ویژه دستگاه «همایون» بود. ورود همایون به دنیای موسیقی بسیار زود هنگام بود. می‌گویند هنوز پسرچهار ۱۱ ساله‌ای بوده که به مکتب استاد «ابوالحسن صبا» -تابعه موسیقی ایران و استاد بسیاری از بزرگان موسیقی- راه پیدا می‌کند. در ۱۴ سالگی صدای سازش آن‌قدر قابل قبول می‌شود که او را در رادیو به‌عنوان نوازنده می‌پذیرند. «رضا» فرزند استاد خرم، در این‌باره خاطره جالبی نقل کرده‌است: «پدر من جسته ریزی داشت. آن زمان ویولن کوچک و «دوچهارم» نبود. پدرم می‌گفت ویولن را که دستش می‌گرفت، تقریباً هم‌قد آن بود. تصورش هم این بود که استاد صبا وقتی انگشتان او را ببیند، می‌گوید این انگشتان کوچک که به درد ویولن نمی‌خورد. تعریف می‌کرد اولین روز آموزش، استاد صبا به او گفته‌بود: «باباجان انگشتاتو ببینم.» بعد هم گفته‌بود: «شروع کنیم تا ببینیم چی می‌شه.» از اولین روز تا روز آخر هم پدرم را همان باباجون صدا کرده‌بود، نه همایون، نه خرم و نه مهندس و هیچ چیز دیگری. تعریف می‌کرد که همه کتاب‌ها و ردیف‌ها را پیش‌استاد صبا تمام کردم و یک روز گفتیم استاد چه کنیم. صبا گفته‌بود: «هیچی دیگه تموم شد.» پدرم سماجت می‌کنند و استاد می‌گوید: «از این به بعد اگر می‌خواهی ادامه بدی، دیگه نت و دفتر را باید بذاری کنار. این دیگه معرفت موسیقی است.»^{*} «مصاحبه‌رضا خرم با سایت موسیقی ایرانیان

مهندسی عاشقانه‌نت‌ها

همایون خان، در کنار عشقش به موسیقی، از درس و تحصیل هم باز نماند؛ همیشه شاگرد ممتاز کلاس بود و توی دانشگاه هم مهندسی برق خواند. او همچنین فعالیت در رادیو را به‌عنوان آهنگ‌ساز، سولیست ویولن و رهبر ارکستر تا سال‌ها ادامه داد. خودش در این‌باره گفته‌است: «آن زمان از من، پرویز یاحقی، حبیب‌ا... بدیعی و علی تجویدی که همگی در رادیو ویولن می‌زدیم، با عنوان چهار سوار سرنوشت یاد می‌کردند». بیشتر گفتیم همایون خرم در مکتب صبا تربیت شد، مرحوم ابوالحسن خان صبا کسی بود که ویولن را به شکل ایرانی معرفی کرد. از تربیت‌یافتگان مکتب صبا، غیر از مرحوم خرم می‌شود از افراد شاخص دیگری مثل «علی تجویدی»، «مهدی خالیدی»، «پرویز یاحقی» و «اسدا... ملک» نام برد؛ هر کدام از این چهره‌ها، گلی بودند که بوی استاد صبا به‌نوعی در ساز زدنشان مشخص بود اما لحن و گویش مختص به خودشان را داشتند. سبک مرحوم خرم هم مخصوص به خودش بود اگر چه به‌هیچ‌وجه پیچیدگی‌ها و جمله‌پرداز‌های کسانی مثل تجویدی و یاحقی را نداشت. سبک نوازندگی ایشان، برای هنر جوهایی که تازه ردیف موسیقی ایرانی را شروع کرده‌اند، قابل تقلید است؛ یعنی نوازندگی‌شان دست‌نیافتنی نیست ولی ایده‌پرداز‌ها، شعور و درک بالای ایشان، سازش را خاص کرده‌بود. وقتی ساز می‌زد، بسیار به دل می‌نشست گرچه ممکن بود تکنیک اجرایی خیلی پیچیده‌ای نداشته‌باشد. حس زیبایی که از سازش منتقل می‌شد، با وجود ساده‌نوازی، شیرین و خوشایند بود. همایون خان همچنین از نظر ملودی‌پرداز و آهنگ‌سازی شخصیت قابل‌ی بود؛ شاهدش ملودی‌های جاودانه‌ای است که ساخته است. چندان از معروف‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین قطعات ساخت ایشان را با هم بشنویم:

سرگشته (تو ای پری کجایی)	رسوای زمانه	طاقیم ده (ساغرم شکست ای ساقی)	پیک سحری
مدت زمان: ۶ دقیقه.	مدت زمان: ۸ دقیقه.	مدت زمان: ۷ دقیقه.	مدت زمان: ۴ دقیقه.
دستگاه: همایون.	خواننده: علیرضا قربانی.	دستگاه: همایون.	خواننده: کورس سرهنگ‌زاده.
خواننده: حسین قوامی.	شاعر: بهادر یگانه	خواننده: سالار عقیلی.	شاعر: کریم فکور
شاعر: هوشنگ ابتهاج		شاعر: معینی کرمانشاهی	

پاسخ به سوالات رایج درباره ساز ویولن در گفت‌وگو با یک مدرس موسیقی

هیچ وقت برای یادگیری دیر نیست

اگر با خواندن پرونده امروز و گوش دادن به ساخته‌های ماندگار استاد خرم، یواشکی آرزو کرده‌اید کاش ویولن‌نوازی بلد بودید؛ اگر صدای ویولن همیشه سر دوفتان می‌آورد و بدتان نمی‌آمده برای یک‌بار هم که شده ویولن دست بگیرید و اگر همیشه با فکر کردن به ویولن با جمله مایوس‌کننده «ساز سخته» مواجه شده‌اید، گفت وگوی پیش‌روا –صرف نظر از سن‌وسالتان- بخوانید. «علی کیانی»، نوازنده و مدرس ویولن به سوالات رایج درباره این ساز، پاسخ داده‌است.

✓ **من فراوان شنیدم که ویولن ساز سختی است، حدس می‌زنم خیلی‌های دیگر هم چنین جمله‌ای را شنیده و احتمالاً از ویولنیست شدن، مایوس شده‌باشند. این چقدر حرف درستی است؟**
به‌طور کلی و عامیانه اگر بخواهم بگویم، بله ساز سختی است اما از لحاظ تخصصی، نه؛ چون هر سازی سختی خودش را دارد. از مرحوم «علی‌نقی وزیری» پرسیدند ویولن سخت‌تر است یا سنتور؟ گفت تا چه کسی بخواهد بزند، کسی که سنتور دوست دارد بی‌درد سراغ ویولن برایش سخت خواهد‌بود و کسی که ویولن دوست دارد، نمی‌تواند با سنتور ارتباط برقرار کند. در مقام مقایسه، شاید بشود از این نظر گفت ویولن سخت‌تر است که برای مثال کسی که سنتور شروع می‌کند کافی است بداند مضراب را روی کدام سیم بزند تا صدای یک نت مشخص ایجاد شود، بعدش فقط درگیر اجرای الگوهای ریتمیک خواهد‌بود. ولی برای نوازنده ویولن، گذشته از این که درگیر نگه‌داشتن ساز و حفظ اکول (Ecole) نوازندگی است، نگه داشتن آرشه –هم که جزئی از این اکول است- و این که چطور کشیده‌شود تا صدای خوب بگیرد، بحث جدایی است که مدت زیادی برای تسلط نیاز دارد. تازه بعد از این نوازنده می‌تواند وارد بحث اجرای نت‌ها شود که کار زمان‌بری است. ویولن، سازی جهانی است و برای آموزش، متدهای پیشرفته و به‌روزی نوشته‌می‌شود؛ این نکته مثبتی است که باعث می‌شود نوازنده‌ها حتی از سنین پایین پیشرفت خوبی داشته‌باشند.

✓ **راجع به سن صحبت کردید؛ این تصور چقدر درست است که یادگرفتن ساز را حتماً باید از کودکی شروع کرد؟**
مهم‌ترین نکته این است که بدان‌ی از سازت چه می‌خواهی؛ از نظر یکی خوب ساز زدن یعنی بتواند «تولدت مبارک» را بنوازد، درست است که ویولن ساز با کلاس و گرانی است؟
موسیقی در کشور ما هنوز یک صنعت لوکس به حساب می‌آید. گیتار گوشه‌اتاق و پیانوی توی‌هال، برای بعضی‌ها پرستیژ دارد. اما کسانی که ویولن را شروع می‌کنند، خیلی دنبال کلاسیک



نیستند؛ چون از همان اول به آن‌ها القا شده –البته در اغلب موارد به اشتباه- که ویولن ساز سختی است. درباره گرانی ویولن پرسیدید؛ شهریه یادگرفتن ویولن درست مثل بقیه سازهاست. قیمت خود ساز هم به نسبت بقیه سازها زیاد نیست. الان با ۲۵۰ هزار تومان هم می‌شود ویولن خرید در حالی که برای خرید گیتاری که در این حد صدا بدهد، کمتر از ۴۰۰-۲۵۰ تومان نمی‌شود هزینه کرد. با مثلاً برای خرید تار‌ی در حد ویولن ۷۰۰ هزار تومانی، باید سه میلیون تومان هزینه کنید. متوسط قیمت یک ویولن خوب، بین دو تا پنج میلیون تومان است.

✓ **برای کسی که می‌خواهد ویولن یاد بگیرد، قطعاً پیدا کردن یک استاد خوب هم شرط است. این ژست رایج را بین بعضی از استادها که هنرجوی مبتدی قبول نمی‌کنند، چطور می‌بینید؟**

هنرجوی مبتدی قبول نکردن، مختص افرادی است که حوصله تدریس ندارند. با هنرجوی خوب که همه بلدند کار کنند. هنر تدریس در این است که من بتوانم هنر جو‌یی را از صفر تربیت کنم، باعث پیشرفتش بشوم و نوازنده خوبی از او بسازم. هنر جو‌یی که قبلاً راهش را پیدا کرده‌است، فرقی نمی‌کند پیش من نباید یا شخص دیگری. البته استثنا هم وجود دارد؛ مثلاً اگر مرحوم تجویدی الان در قید حیات بود، من می‌گفتم حیف است هنر جوی مبتدی پیش ایشان برود تا مثلاً آرشه کشی یاد بگیرد؛ کسی که کوه دانش است، از صحبت کردن با او حس خوب به آدم دست می‌دهد و حتی از شنیدن خاطراتش می‌شود موسیقی یاد گرفت، چرا آدم با درک بالا پیشش نرود؟ هنر جوی مبتدی قبول نکردن برای چنین کسی می‌تواند قابل قبول باشد. البته در همین شهر خودمان هم مدرس‌های خوبی داریم که چنین رویه‌ای را به‌حق پیش گرفتند ولی نباید منجر به سوء برداشت بشود یا همه گمان کنند که می‌شود تکیه بر جای بزرگان زد!

کنترباس	ویولن سل	ویولن آلتو (ویولا)	ویولن
بزرگ‌ترین ساز این خانواده و به‌ترین آن‌هاست. نوازنده کنترباس می‌ایستد، ساز را –به گونه‌ای که دسته‌اش بالاتر از شانه سمت چپش باشد- در کنار خود می‌گیرد و مثل ویولن سل با کشیدن افقی آرشه می‌نوازد. کنترباس از نظر ملّین، صوتی قوی و پر حجم دارد.	ویولن سل، از دو ساز قبلی بزرگ‌تر و صدایش بهتر است. زمان اجرا، به‌وسیله پایه‌ای روی زمین و بین زانوه‌ای نوازنده قرار می‌گیرد و نوازنده در حالت نشسته این ساز را می‌نوازد. ویولن سل از نظر ملّین، صوتی بسیار قوی، زنگ‌دار و گیرا ایجاد می‌کند.	ویولا، از لحاظ ظاهری و شکل نوازندگی بسیار شبیه ویولن است و تشخیصش از ویولن، برای ناوارد‌ها دشوار. ویولا اما از ویولن بزرگ‌تر است؛ بنابراین صدایی بهتر و چابکی کمتری دارد. صدای ویولا، نافذ، تیره و غنی است.	ویولن، کوچک‌ترین ساز این خانواده و طبیعتاً زیردست‌ترین آن‌هاست که زمان نواختن روی شانه چپ نوازنده قرار می‌گیرد. صدای ویولن، درخشان، روشن و بسیار چابک است و با طیف وسیعی از ملّین‌های غنی، زنگ‌دار، خشن و آرامش‌بخش، امکانات گسترده‌ای در اختیار ارکستر قرار می‌دهد.

آشنایی با خانواده ویولن